

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

ایرینا لیدوا* - Irina Lebedeva

برگردان از: ا. م. شیر

۱۶ فبروری ۲۰۱۴

غرب و اوکراین: مروری بر تهیه نمایشها

(۲)

مرکز رویارویی های جهانی پرفسور مایکل اوپنهايمر وابسته به دانشگاه نیویورک سه سناریوی «اوکراین ۲۰۲۰» را در سال ۲۰۱۰ تدوین کرد. این سه سناریو، یکی از طرحهای آزموده شده برای بی ثبات سازی اوکراین شمرده می شوند. از بسیاری جهات روند حوادث اوکراین اکنون درست بر اساس این طرح مشخص می شود. همانطور که جیمز شِر، کارشناس چتم هاووس لندن در مقدمه «سه سناریو» برای انتشار می نویسد، «پروژه های سناریویی را مرکز مطالعات جهانی برای ارائه به وزارت خارجه و دفاع امریکا، کمیته امنیت ملی، سازمان سیا، مؤسسه صلح، انستیتوی بروکینگز، کمیته روابط بین المللی و مشاور علمی رئیس جمهور امریکا تدوین کرد». در کار تدوین پروژه «اوکراین ۲۰۲۰»، تقریباً همه کارشناسان مشهور امریکا، انگلستان، آلمان، بلجیم، لهستان... در امور اوکراین شرکت داشتند. در این طرح، نگرش روسیه به چشم انداز اوکراین در نظر گرفته نشده است.

شگفت آور نیست اگر توضیح داده شود که در بازرسی از دفتر «وطني ها»، فایل های این طرحهای امریکائی از کامپیوترها کشف شد. نقش رهبری حزب «آزادی» در مرحله اول «اعتراضات مردمی»، استعفای نخست وزیر، نیکولای آزاروف و وارد کردن آرسن یاتسنیوک به صحنه نمایش سیاسی اوکراین هنوز چند سال قبل در آن قید شده بود. البته، در ابتداء، همانطور که در طرح آمده است، حملات ضد یهودی در ارتباط با تعلق ملی یاتسنیوک در رسانه های جمعی شروع خواهد شد، اما دفع آنها به مثابه «مضحکه» آسان است. کنار زدن «آزادی» توسط شبه نظامیان «نیزه سه شاخه» - گروه پیرو استپان باندرا، که در سناریوهای «اوکراین ۲۰۲۰» میانه رو خوانده می شود، در آنجا توصیف شده است... در ادامه، تعمیق «اوکراینی کردن» کشور، تحریک «عنصر روسیه»، خصوصی سازی مؤسسات استراتژیک، درهای لنگه به لنگه باز برای سرمایه گذاران غربی، اخذ وامهای کلان از بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، «لغو ممنوعیت های اتحاد شوروی» در فروش زمینها به خارجیان و جلب کنترل شده چین (دشمن اتحادیه اروپا، رقیب روسیه) به این فرایند؛ به موازات اینها، اخراج گام به گام ناوگان دریای سیاه از بندر سیواستوپل، تغییر قانون اساسی اوکراین با تبدیل آن به جمهوری پارلمانی یا پارلمانی-ریاست جمهوری در این طرح پیش بینی شده است. (چه کسی یاتسنیوک را به ریاست جمهوری انتخاب خواهد کرد!).

در سناریوی شماره ۲ از «سه سناریو» تحت عنوان «اجماع ملی برای انجام اصلاحات» چنین تصویر شده است. این، گزینه مطلوب واشنگتن و بروکسل است. سناریوی شماره ۱- «قطعه قطعه کردن اوکراین به علت اقتدارگرانی شکست خورده»، به عقیده تدوین کنندگان، نه به نفع امریکا است و نه به نفع روسیه. سناریوی سوم- «اقتدارگرایی ستراتیژیک»، که در این حالت، ویکتور یانوکویچ به عنوان ذخیره در قدرت باقی می ماند. طبق این سناریو، علاوه بر اعطای امتیازات همه جانبه به «سرمایه گذاران خارجی»، اصلاحات ساختاری و قانونی، همان وامهای اسارت آور، اخراج نرم روسیه از عرصه های منافع ستراتیژیک آن تحقق می یابد و یانوکویچ نیز باید «مشروعیت» خود را بار دیگر به اثبات برساند و زخم گرده خود را التیام بخشد...

هرج و مرجی را که نیروهای خارجی در اوکراین به وجود آورده اند، هنوز معلوم نیست بتوانند مدیریت کنند. یانوکویچ را دیگر با سرنوشت میلوشوویچ در صربستان یا قذافی در لیبیا تهدید کرده اند. «جامعه جهانی» متکبرانه معتقد است، که زمان مهار «نفوفاشیستهای» دست پرورده اوکراین رسیده و پول به ازای کنترل بر اوکراین فقط به دموکراتهای «غربگرا» و فقط در صورت انجام «اصلاحات» بر شمرده فوق، و همچنین تضمین اجرای دیگر موارد توافق شده که اکنون اپوزیسیون «معتد» در خصوص آنها سخن می گویند، پرداخت خواهد شد. ضمناً، اخیراً یاتسنیوک طرح مارشال را یادآوری کرد. در تاریخ اتحادیه اتلانتیک شمالی این گفتمان رایج است: «ناتو و طرح مارشال دو روی یک سکه اند». پس از جنگ جهانی دوم، امریکا وامهای بلاعوض بر اساس طرح مارشال به اروپای ویران شده را نه بی هیچ چشمداشت، بلکه در مقابل توافق با نیمه مستعمرگی آن، شامل استقرار «تسلیمات سری ناتو» در خاک کشورهای اروپایی اعطا کرد. از قرار معلوم، درست با چنین ساختار ناتوی، نه با «ساختار حقوقی» بومی مندرج در سناریوی نقش «دست خشن» است که باید اوکراین را به سوی همگرایی با اتحادیه دو سوی اقیانوس اطلس بکشاند.

اکنون از دست رفتن هر چه بیشتر اعتبار دیپلوماسی امریکا یک خطر جدی برای واشنگتن است. زمان پرسیدن آن است که پنج میلیارد دالر مالیات دهندگان امریکائی که ویکتوریا نولاند و تام ملیا، معاون و مقام وزیر خارجه امریکا در باره آن در حضور وارثان استپان باندرا و شوخویچ در جلسه استماع ماه جنوری مجلس سنای امریکا گزارش دادند، به چه مصرفی رسید؟ (بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران مسائل بین المللی بناحق چنین تصور می کنند که گویا دولت امریکا هزینه جنگها، کودتاها، خرابکاریها، جاسوسیها از کل بشریت و دیگر مداخلات خود در امور کشورهای مختلف جهان را و همچنین، مخارج سازماندهی، آموزش و تسلیح گروههای تروریستی را از «جیب» مالیات دهندگان امریکائی پرداخت می کند. اما، واقعیتهای جاری و اسناد منتشره خلاف چنین مدعیاتی را ثابت می کنند. شاید بر کمتر کسی پوشیده باشد که امریکا علاوه بر چاپ و انتشار سالانه صدها میلیارد دالر، فقط در سال ۲۰۱۱ مبلغ نجومی ۱۶ تریلیون دالر بی پشتوانه را چاپ^(۱) و به ورید نظام مالی جهان تزریق کرد. ضرب اسکناس بی هیچ پشتوانه و تزریق آن به داخل نظام مالی جهان، یعنی غارت ثروتهای همه بشریت. بنا بر این، اگر گفته شود که هزینه تمام اقدامات تبهکارانه و خلافاکاریهای امریکا به حساب غارت ثروتهای همه مردم جهان پرداخت می شود، کاملاً صحیح است. حیرت انگیزتر از آن، این است که متخصصان و کارشناسان علوم اقتصادی نیز در تحلیل و بررسی های خود، یا در ارائه طرحها و برنامه های اقتصادی، به راحتی از کنار این واقعیت ناهنجار می گذرند و در نتیجه، نمی توانند به صراحت اعلام کنند که با وجود سلطه همه جانبه دالر بر نظام مالی و اقتصادی جهان و صرف بی حد و حصر آن، هیچ برنامه اقتصادی قابل اجرا نیست. مترجم).

همان «نیزه سه شاخه» «میانہ رو»، وارث استپان باندرا چند سال است که تحت سرپرستی هوشیارانه مراکز آوروآتلانتیک قرار دارد. اگر نشریه امریکائی همدرستان فرزندان اوکراین- هفته نامه اوکراین را که در کیف نیز دفتر مطبوعاتی دارد، به طور اتفاقی باز کنید، در باره «قهرمانیهای» گذشته اراذل و اوباش در میدان استقلال و خیابان

گورثیوسکی اطلاعات بسیار جالبی کسب خواهد کرد. پس از انتخاب ویکتور یانوکویچ به ریاست جمهوری اوکراین، همه شماره های «هفته نامه اوکراین» تقریباً به طور کامل به مطالب فعالان «بخش راست» کنونی، به داستان های «شکنجه زندانیان سیاسی» در اوکراین، دعوت به پشتیبانی از «میهن پرستان اوکراین» که آثار تاریخی دوره اتحاد شوروی را منفجر کردند، اختصاص یافته است. در این شماره ها اطلاعات زیادی در باره رئیس «نیزه سه شاخه»، **دمیترو ماروش**، و همچنین مصاحبه بسیار جالب توجه نفر دوم این سازمان، **آندره تاراسنکو** (موسوم به «پیلیاس»)، که چگونگی آموزش «شبه نظامیان» اوکراین را تشریح می کند، «مرد شدن، طرز استفاده از سلاحهای سرد و تجهیزات بادی را به جوانان سربازی نرفته آموزش می دهند...». اطلاعات سوخته ای در باره دیگر «ملی گرایان شجاع»، دستورالعمل ها و راههای پایان دادن به «تجاوز روسیه» و همچنین، توصیه ها «انقلابیون صرب» در باره روشهای ساقط کردن «رژیمهای دیکتاتوری» نیز در آنها انتشار یافته است.

شماره های پیشتر **هفته نامه اوکراین** پر است از مطالب خون چکان در مورد توطئه های کمونیستها و مسکونشینان (حداقل مجازات یک تلنگر کوچک به یهودیان در امریکا، زندان است)، در باره «قحطی- نسل کشی» سازمانیافته روسها به منظور نابودی خلق اوکراین.

مایه شرمندگی دیپلماسی امریکا است که در شرایط فقدان شدید اطلاعات مستقل، سیاست آن در رابطه با اوکراین دقیقاً با این مزخرفات تغذیه می شود. در حالی که در همان جلسه استماع ماه جنوری مجلس سنای امریکا دایر بر «بحران اوکراین» یک کارشناس ارشد، مثل **زیگنِف بژزینسکی** با این اظهارات که اوکراینها قبل از ظهور روسها «روسیین» نامیده می شدند، باید از قرنهای تلاش و کوشش آنها برای پیوستن به اروپا پشتیبانی کرد، اما آنجا «تنوری دومینو» عمل می کند، و روسیه کثیرالمله خود را به جایی می کشاند که آنجا اروپاست، ناتو هست، به تنویر افکار سناتورها پرداخت، در باره بی نزاکتی سیاستمداران عادی یا نمایندگان کنگره امریکا چیزی نمی توان گفت. از قبیله بژزینسکی هر دو پسر زیگنِف رابطه تنگاتنگ حرفه ئی و تجاری با ناتو دارند؛ یکی از پسران، تحلیلگر شورای اتلانتیک، دیگری به تبلیغ فروش بمب افکنهای ناتو مشغول است.

خُب چرا بود، سوال می شود، توزیع بیسکویت در میدان توسط ویکتوریا اولاند که مورد تقبیح وبلاگهای روسیه و اوکراینی قرار گرفت، چرا یک روز قبل از افتتاح بازیهای المپیک سوچی بار دیگر سرو کله او در کنیف پیدا شد و ناراضیان «رژیم یانوکویچ» را به بازگشت به «صحنه» همگرانی با اروپا، که صحنه جنگ است، فراخواند؟ در اینجا تفکر قبیله ئی عمل می کند- این تازیانه سیاست خارجی امریکاست. قبیله ای که ویکتوریا اولاند به آن تعلق دارد، به سهم خود کم نفوذتر از قبیله بژزینسکی نیست. شوهر ویکتوریا اولاند، دانشمند شناخته شده علوم سیاسی، تحلیلگر و مقاله نویس **رابرت کاگان** است که در بزرگترین مراکز ستراتیژیک مرد خود محسوب می شود به معتبرترین رسانه های جمعی امریکا دسترسی دارد. در جریان حوادث لیبیا او به کسی که تجاوز علیه این کشور را برنامه ریزی کرد، فعالانه کمک نمود. در آخرین دوره انتخابات ریاست جمهوری امریکا، شوهر نولاند در جبهه مقابل بارک اوباما جای گرفت، به **میت رومنی**، که با القاء او «روسیه را دشمن اصلی امریکا خواند»، مشاوره می داد. **فرد کاگان**، برادر رابرت کاگان ناظر تهیه خلاصه مطبوعات بین المللی است که در سراسر جهان پخش می شود. تجزیه اتحاد شوروی و «تغییرات تکنیکی» در سیاست خارجی امریکا که پس از دیدار ویکتوریا نولاند از مسکو به وقوع پیوست، نقطه عطف اصلی در حرفه اوست. اتفاقاً دلایل «منطقی» تطبیق ماده ۵ اساسنامه ناتو برای حمله به افغانستان را ویکتوریا نولاند تبیین کرد. آموخته های ناتو به هدر نرفت. قلبش او را دوباره به شرق فرامی خواند...

زیرنویس:

(1)-<http://www.hafteh.de/?p=35098>,

[http://www.ayenda.org/Chap%2016%20Trilioun%20\\$\(E.Shiri\).pdf](http://www.ayenda.org/Chap%2016%20Trilioun%20$(E.Shiri).pdf)

*- مدیر کل نگارخانه «ترتیاکوف» دولتی روسیه

کارمند علمی نگارخانه از سال ۱۹۸۵، دارنده نشان افتخار فرهنگ روسیه

<http://www.fondsk.ru/news/2014/02/07/zapad-i-ukraina-perebiraja-scenarnye-zagotovki-ii-25626.html>

۲۶ بهمن- دلو ۱۳۹۲